

# دادرسی کیفری و

## حقوق بشر<sup>۱</sup>

دکتر جلیل امیدی

### مقدمه

نقض گسترده و سازمان‌یافته جنبه‌های مختلف حقوق بشر در جریان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) انگیزه‌های پرداختن به این حقوق و حمایت مؤثر از آن‌ها را برانگیخت. تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ «فرد» را به عرصه حقوق بین‌الملل آورد و جامعه جهانی را در زمینه بزرگداشت بشر و بسط حقوق و آزادی‌های اساسی او دچار تحول و توسعه کرد. از آن تاریخ تاکنون، انبوهی از اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای درباره مفاهیم و معیارهای حقوق بشر به تصویب رسیده است. گام‌های نخستین، بیش‌تر به دنبال دستیابی به یک توافق عمومی بر سر کم‌ترین میزان حقوق و آزادی‌های اساسی در قالب پاره‌ای مفاهیم «حقوقی خنثی»<sup>۲</sup> و اسناد و اعلامیه‌های «غیرالزامی»<sup>۳</sup> بوده، ولی بعدها

---

۱. این گزارش اخذ و اقتباس و تلفیقی است از مقاله دادرسی کیفری به عنوان حقوق بشر تألیف ماروین زلمن ولاری سیگل ترجمه جلیل امیدی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴۴ و مقاله حقوق بشر در دعاوی کیفری تألیف دکتر جلیل امیدی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴۶.

2. Soft law

3. Non – binding

کوشش‌هایی دشوار و در خور ستایش برای تدوین و تصویب اسناد الزام‌آور صورت گرفته است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده، الهام‌بخش تهیه و تصویب تمامی متون و اسناد مربوط به جنبه‌های گوناگون حقوق بشر بوده است؛ تا آن‌جا که به حق ادعا شده: «در جامعه جهانی یا در جوامع منطقه‌ای، هر معاهده‌ای که به حقوق بشر پرداخته به نحوی با اعلامیه جهانی حقوق بشر مرتبط بوده است؛ به این معنا که این قبیل معاهدات یا براساس اعلامیه تهیه شده‌اند یا از رهگذر تفسیر، با یکی از اصول آن ارتباط پیدا کرده‌اند»<sup>۱</sup>.

بعضی بر این باورند که حقوق بشر به طور کلی از دستاوردهای فرهنگ غربی است و جنبه جهانی ندارد. در واقع هم پیوند میان حقوق بشر و لیبرالیسم خصوصاً لیبرالیسم از نوع مورد نظر جان لاک<sup>۲</sup> حقیقتی انکارناپذیر است.<sup>۳</sup> با این حال امروزه اندیشه‌های راجع به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد کم و بیش در همه جا نفوذ کرده و مفاهیم و معیارهای آن در مجامع بین‌المللی که نمایندگان ملت‌ها و مناطق گوناگون جهان در آن حضور دارند مورد حمایت واقع می‌شود.

حقوق بشر، مجموعه‌ای از هنجارها و در واقع، امتیازات و توانایی‌هایی است که هر کس تنها به این دلیل ساده که فردی از افراد بشر محسوب می‌شود از آن برخوردار است. خاستگاه این امتیازها و توانایی‌ها چنان‌که در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد تصریح واقع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. هدایت‌ا... فلسفی، «جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، سال ۱۳۷۵، صفحه ۲۲۴.

## 2. Lokean Liberalism

۳. ماروین زلمن و لاری سیگل، «دادرسی کیفری به عنوان حقوق بشر»، ترجمه جلیل امیدی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴۴، صفحه ۱۳.

شده<sup>۱</sup> «کرامتی»<sup>۲</sup> است که همه اینای آدم از آن برخوردارند. برخی به منظور اثبات جهان‌شمولی حقوق بشر و تکیه بر خاستگاه طبیعی و فطری آن که خاستگاهی مشترک و فرازمانی و مکانی است، تلاش کرده‌اند حقوق بشر را به طور کلی به عنوان مفهومی «فراقانونی»<sup>۳</sup> معرفی کنند.<sup>۴</sup> ولی در هر حال، ظهور جنبه‌های عینی این مفهوم کلی و تضمین اجرای آن‌ها در عمل، در قوانین و مقررات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری تلقی شده است. تصویب متون متعدد در باب حقوق بشر از سوی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر همین ضرورت است.

در تقسیمات حقوقی، حقوق بشر در قلمرو حقوق عمومی قرار می‌گیرد و مفاهیم و معیارهای آن در حقوق اساسی متجلی می‌گردد. اما بخش مهمی از این حقوق و صورت تفصیلی برخی از معیارهای مهم آن در حقوق جزا مطرح می‌شود. محاکمات جزایی به عنوان بخش شکلی حقوق جزا موارد قابل توجهی از این معیارها را به خود اختصاص می‌دهد. نگاهی به مطالب زیر که مشتمل بر موادی مهم از اعلامیه جهانی است که منشأ تدوین و تصویب بسیاری از مقررات بین‌المللی راجع به حقوق بشر محسوب می‌شوند، اهمیت مسأله را نشان خواهد داد:

ماده ۲. هرکس از تمام حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این اعلامیه، بدون هر نوع تمایز مبتنی بر نژاد، جنسیت، زبان، مذهب، اندیشه سیاسی و غیر آن، ملیت، مالکیت، منشأ تولد و دیگر موقعیت‌ها، برخوردار است.

ماده ۳. هرکس از حق حیات، آزادی و امنیت فردی برخوردار است.

ماده ۵. هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه و آزار یا رفتارها و مجازات‌های ظالمانه غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد.

۱. نگاه کنید به: مقدمه و ماده ۱ اعلامیه جهانی، مقدمه کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی علیه شکنجه و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، برای تفصیل مطلب نگاه کنید به: جلیل امیدی، *مبانی ماهوی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر*، در همین ویژه‌نامه.

2. Dignity

3. Extra legal

4. Jack Dannelly; "Universal Human Rights in Theory and Practice", p. 9-17.

- ماده ۶. هرکس حق دارد همه جا به عنوان یک شخص در برابر قانون شناخته شود.
- ماده ۷. همه در برابر قانون مساوی‌اند. همه حق دارند به دور از هر گونه تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار گردند.
- ماده ۸. هرکس حق دارد که زیان‌های ناشی از نقض حق تضمین شده‌اش از طریق دادگاه صالح ملی جبران شود.
- ماده ۹. هیچ‌کس نباید در معرض دستگیری، بازداشت یا تبعیض خودسرانه قرار گیرد.
- ماده ۱۰. هرکس حق دارد به منظور تعیین حقوق و تعهد یا رسیدگی به اتهامش به طور مساوی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف به صورت منصفانه و علنی مورد محاکمه واقع شود.
- ماده ۱۱. هرکس متهم به ارتکاب جرم است، مادام که مجرمیت وی بر اساس قانون در یک رسیدگی علنی و دارای تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع به اثبات نرسیده، حق دارد بی‌گناه فرض شود.
- ماده ۱۱.۲. هیچ‌کس نباید به خاطر فعل یا ترک فعلی که در هنگام انجام به موجب قوانین ملی یا بین‌المللی جرم تلقی نمی‌شده مجرم قلمداد شود. همچنان که هیچ مجازاتی را شدیدتر از آنچه هنگام ارتکاب جرم قابل اعمال بوده نمی‌توان به او تحمیل کرد.
- ماده ۱۲. هیچ‌کس نباید به طور خودسرانه در معرض مداخله در زندگی خصوصی، خانوادگی، منزل و مکاتبات قرار گیرد. همچنین شرافت و حیثیت هیچ‌کس نباید مورد تعرض قرار گیرد. همه در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی از حق حمایت قانونی برخوردار خواهند بود.
- ماده ۲۹.۱. هرکس در برابر آن جامعه‌ای مسئول است که رشد آزاد و کامل شخصیت او را در حد امکان فراهم آورده است.
- ماده ۲۹.۲. اجرای حقوق افراد تنها به محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قانون صرفاً به منظور تأمین اهداف امنیتی، شناسایی و رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران، الزامات اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه دمکراتیک محدود می‌شود.

آن بخش از مفاهیم و معیارهای حقوق بشر که به دادرسی کیفری مربوط می‌شوند نسبت به سایر بخش‌ها نقش مرکزیت دارند. اگر دولت‌ها به نام دادرسی کیفری با اعمال قدرت و استبداد، مخالفان خود را در هم کوبند، دیگر نه از کرامت انسانی نشانی خواهد ماند و نه از اقدامات سیاسی دمکراتیک. بی‌جهت نیست که ضرورت قانونمندی محدودیت حقوق و آزادی‌های فردی که باید آن را از پایه‌های نظری - سیاسی آیین دادرسی کیفری به شمار آورد<sup>۱</sup> در دو جای اعلامیه جهانی یعنی در قسمت دوم ماده ۱۱ و قسمت دوم ماده ۲۹ مورد تأکید و تکرار واقع شده است. گویی تدوین کنندگان متن اعلامیه میان استبداد سیاسی و نقض اصول آیین دادرسی کیفری نسبتی قائل بوده‌اند. جرّم هال<sup>۲</sup> فیلسوف حقوق که جنبه‌های سیاسی آیین دادرسی کیفری را با درهم شکستن دیکتاتورهای قرن بیستم و برقراری برخی جوامع دمکراتیک، فراموش شده می‌داند می‌گوید: «دیکتاتورها در یک واکنش ناگهانی شناخته شده ابزارهای کیفری خود را به حرکت در می‌آورند و واقعیت و ابستگی آزادی‌های مدنی به حقوق کیفری را در هم می‌کوبند. نظام‌های دیکتاتور، قاطعانه و بی‌رحمانه قلب اساسی‌ترین نهاد حقوقی یعنی قانونمندی نظام جرائم و مجازات‌ها را نشانه می‌گیرند»<sup>۳</sup>. برداشت و ابستگی متقابل بخش‌های مختلف حقوق بشر را باید برداشتی صحیح تلقی کرد. حقوق بشر یک نظام یا مجموعه سیستماتیک است و نقض بخشی از آن، نادیده گرفتن سایر بخش‌ها نیز محسوب می‌شود. اگر اقدامات دمکراتیک، گسترش اصلاحات سیاسی و آزادی‌های مدنی و ثبات اقتصادی، حامی یک نظام عدالت کیفری قانونمند و منصفانه هستند، در مقابل، نظام عدالت کیفری مبتنی بر اصول حقوق بشر، وجه یا ساختار دمکراتیک دولت را تأمین می‌کند؛ همان‌طور که شرافت و کرامت انسانی شهروندان را که به دولت مشروعیت می‌بخشد، تضمین می‌کند.

به هر حال اسناد بین‌المللی جنبه‌های گوناگون وجه جزایی نظام حقوق بشر را برشمرده‌اند و مسائل و موضوعات متعدد آن را مورد حکم قرار داده‌اند. مسائل و

1. M. Zalmanl Siegel; *Criminal Procedure*, Vol. 1, pp. 28-31.

2. Jerom Hall

۳. ماروین زلمن و لاری سیگل، پیشین، صفحه ۱۵.

موضوعاتی، چون قانونمندی نظام جرائم و مجازات‌ها، برابری افراد در برابر قانون، منع عطف قوانین نامساعد به گذشته، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات‌های غیرانسانی، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، حق اطلاع از نوع اتهام، حق حضور فوری در برابر دادگاه، حق رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، تساوی افراد در برابر دادگاه، حاکمیت فرض برائت، منصفانه بودن محاکمه، برخورداری از تضمین‌های دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زیان‌های وارد شده بر بازداشت شدگان یا محکومان بی‌گناه، منع محاکمه و مجازات مجدد و حق درخواست تجدیدنظر.

هدف از اتخاذ این تدابیر و الزام دولت‌ها به مراعات آن‌ها در محاکمه‌های ملی، حمایت از حقوق متهم در برابر دادگاه است. این که اجرای مؤثر این تدابیر در سطح ملی کارسازترین تضمین چنین حقوقی است تقریباً مورد توافق عمومی است. حتی در مؤثرترین نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، یعنی اروپا، دعاوی مربوط به نقض این حقوق باید پیش از طرح در برابر دیوان اروپایی حقوق بشر در محاکم ملی مطرح و تمام مراحل رسیدگی را طی کرده باشند. اخیراً هم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت این دیوان را فرع بر اعمال صلاحیت دادگاه‌های داخلی معرفی کرده است و این خود موهم این معناست که مجامع بین‌المللی بیش‌تر به اجرای حقوق بشر در سطح ملی، چشم امید دوخته‌اند تا اعمال آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی.

به هر تقدیر، تدابیر و تضمین‌های راجع به دادرسی کیفری به طور اخص، در مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی (۱۹۴۵)، ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۹۶)، بخش ۲۶ اعلامیه امریکایی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰)، ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و

ماده ۷ منشور افریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱) پیش‌بینی شده است. آقای پیتر ون<sup>۱</sup> با بررسی اسناد بین‌المللی، از یک دیدگاه امریکایی و با اشاره به موارد اخذ و اقتباس اسناد بین‌المللی از قانون اساسی ایالات متحده و یادآوری سهم ارزشمند این کشور در تمدن جهانی، اصول حقوق بشر را تا آن‌جا که به آیین دادرسی کیفری مربوط می‌شود در دوازده اصل خلاصه کرده است.<sup>۲</sup> ولی اگر به جای تکیه بر قانون اساسی ایالات متحده، اسناد بین‌المللی طرف توجه واقع شوند، کامل‌ترین و الزامی‌ترین فهرست این تدابیر آن است که در ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۳</sup> و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و پروتکل‌های آن آمده است. پس شایسته‌تر آن است که تدابیر و معیارهای مورد نظر، تحت عناوین مندرج در دو ماده اخیر مطرح گردند و به فراخور بحث به مفاد اسناد دیگر اشاره شود.

۱. Pieter Van؛ اصول مورد نظر آقای ون به ترتیب عبارتند از: محاکمه منصفانه، علنی بودن محاکمه، استقلال و بی‌طرفی دادگاه، مدت زمان معقول محاکمه، فرض برائت، اعلان فوری و تفصیلی علت اتهام، زمان و تسهیلات مناسب، حق دفاع، مواجهه با شهود مخالف، تسهیل ادای شهادت شهود موافق، حضوری بودن محاکمه و تجدیدنظر. بعضی بر این اعتقادند که عنصری آشنا یعنی حضور هیأت منصفه در فهرست فوق فراموش شده است. عنصری که نماد مقابله با محکومیت‌های خودسرانه و غیرقانونی محسوب می‌شود (نگاه کنید به: مارولین زلمن و لاری سیگل، پیشین، ص ۱۸).

واقعیت آن است که حضور هیأت منصفه در محاکمه و تأثیر تصمیم آن در رأی دادگاه به عنوان یکی از تدابیر تضمین حقوق بشر در دعاوی کیفری در هیچ‌کدام از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مطرح نشده است. ولی در کشورهایی که به موجب قانون اساسی حضور هیأت مزبور در برخی از دعاوی ضروری تلقی شده باید حضور چنین هیأتی را از حقوق اساسی افراد به شمار آورد و نقض آن را خواه از طریق قوانین عادی خواه از راه اعمال نظرهای قضایی نضیع حقی از حقوق اساسی شهروندان و صدمه‌ای به اعتبار قانون اساسی کشور به حساب آورد.

۲. مارولین زلمن و لاری سیگل، پیشین، صفحه ۱۵.

۳. کنوانسیون مزبور چنان که گذشت در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. (GAOR 21<sup>th</sup> sess, Res 2200 A) و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ مطابق ماده ۴۹ آن با الحاق سی و پنجمین دولت قدرت اجرایی یافته است. ماده ۲ این میثاق دولت‌های عضو را ملزم کرده است که بدون توجه به تمایزات ناشی از رنگ، نژاد، زبان، مذهب، جنسیت، ملیت و عقیده تمامی حقوق و آزادی‌های شناخته شده در آن را برای تمامی ساکنان قلمرو حاکمیت خود به رسمیت بشناسد و به منظور مراعات حقوق و آزادی‌های مزبور تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی لازم اتخاذ کنند.

## ۱. تساوی افراد در برابر دادگاه، و محاکمه منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل و بی طرف

### الف) تساوی افراد در برابر دادگاه

بنابر آنچه در صدر بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون آمده، افراد در برابر دادگاه مساوی هستند. مساوات در برابر دادگاه که ضرورت آن در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم تصریح شده دارای سه وجه است. وجه نخست این است که آنچه در عالم ظاهر موجب امتیاز افراد از یکدیگر می شود نظیر رنگ، زبان، نژاد، ملیت، مذهب، جنسیت، افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی و گرایش ها و وابستگی های حزبی و تشکیلاتی، در عالم قضا و عدالت به هیچ وجه موجب تبعیض و تمایز نخواهد بود. متهم به عنوان فردی از افراد بشر، به اتهام نقض مقررات حافظ نظم عمومی و حقوق فردی در برابر دادگاه ظاهر می شود و مجرد از اوصاف و عوارض بشری و اعتبارات و موقعیت های اجتماعی مورد محاکمه قرار می گیرد. وجه دیگر تضمین مورد بحث توازنی است که دادگاه ناگزیر باید میان اصحاب دعوا برقرار کند. در یک نظام دادرسی مترقی و انسانی، نقش دادگاه، داوری در میان اصحاب دعوا است. بدیهی است که داوری بدون اعطای بالسویه امکانات و امتیازات و مراعات حقوق طرفین، منصفانه نخواهد بود. از این نظر، تساوی در برابر دادگاه، پیوستگی تمام با تدابیر و تضمین های دیگری چون محاکمه منصفانه و ضرورت بیطرفی دادگاه دارد. این گونه مفاهیم در مباحث بعد بررسی خواهند شد. آنچه در این جا ذکر آن ضرورت دارد این است که اولاً تساوی در برابر دادگاه یک تضمین عام است و همه اصحاب و اطراف دعوا، اعم از مدعی و مدعی علیه و شهود و ارزش شهادت آنان را در بر می گیرد. وجه سوم این تضمین که تا حدودی مفهوم آن را گسترش می دهد، آن است که تشکیلات دادگاه ها، آیین رسیدگی به اتهامات افراد و تسهیلات و امتیازهای اعطایی به آنان جز در موارد رسیدگی به جرائم خاص، نظیر جرائم نظامی و جرائم اطفال باید نسبت به همه اقشار و اصناف شهروندان یکسان باشد. بنابراین، تشکیل دادگاه های اختصاصی برای رسیدگی به اتهامات وارد بر قشر یا طبقه خاصی از شهروندان عادی، آن هم با وجود عمومی بودن جرائم



ارتكبابی آنان، با این وجه از وجوه تساوی افراد در برابر دادگاه ناسازگار است. این که در این گونه دادگاه‌ها تسهیلات خاصی برای متهمان قائل می‌شوند یا تضییق و تشدید نسبت به آنان روا می‌دارند مؤثر در مقام نیست؛ نکته آن است که تشکیل دادگاه‌های خاص امری است استثنایی و خلاف قاعده که توسعه آن نقض عدالت و انصاف به شمار می‌رود. همان طور که تساوی افراد در برابر دادگاه ضروری است، تساوی دادگاه در برابر شهروندان هم علی‌القاعده ضروری است.

### ب) محاکمه منصفانه

بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون در ادامه می‌گوید: «هر کس حق دارد که اتهام وارد بر او یا اختلافات مربوط به حقوق و تعهدات وی در یک محاکمه منصفانه<sup>۱</sup> و علنی، توسط دادگاهی صالح، مستقل و بیطرف که براساس قانون تشکیل شده است، مورد محاکمه و رسیدگی واقع شود...». همین مضمون در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز آمده است.

منصفانه بودن محاکمه یک مفهوم ابهام آمیز است و متون و اسناد بین‌المللی موجود و نهادهای ناظر بر اجرای آن‌ها ظاهراً تعریف مشخصی از آن به دست نداده‌اند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۲ در دعوی متعدد با این پرسش اساسی روبه‌رو بوده که آیا مفهوم محاکمه منصفانه، متضمن تدابیر و تضمین‌هایی فراتر از آن است که در بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی (بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی) آمده است؟ کمیسیون مزبور بی‌آن که خواسته باشد پاسخی روشن و دقیق به چنین پرسشی بدهد تنها به بیان این نکته اکتفا کرده است که «آنچه به طور کلی «موازنه قوا»<sup>۲</sup> خوانده می‌شود، از عناصر ذاتی و غیر قابل انتزاع یک محاکمه منصفانه است». از نظر کمیسیون، حضور نماینده دادسرا و عدم دعوت از متهم یا وکیل او در مرحله تجدیدنظر، جایی که رسیدگی ماهوی صورت گرفته و حکم صادر شده، نقض آشکار اصل برابری اصحاب دعوا و نادیده گرفتن منصفانه

1. Fair hearing  
2. Equality of arms

بودن محاکمه است. همین کمیسیون رد درخواست معاضدت قضایی را در پاره‌ای از موارد، نقض مفهوم محاکمه منصفانه شمرده است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد در شرایطی می‌توان محاکمه را منصفانه تلقی کرد که اصول و قواعد کلی یک نظام دادرسی مترقی بر جریان رسیدگی حاکم باشد و متهم در شرایطی کاملاً آزاد و در حالی که از تمامی تضمین‌های دفاع برخوردار است مورد محاکمه واقع شود. بنابراین هر جا که صلاحیت دادگاه، یا استقلال یا بیطرفی آن مورد تردید است یا حتی از حقوق متهم نادیده گرفته شده به یقین باید محاکمه را غیرمنصفانه به شمار آورد. در عین حال باید توجه داشت که در تشخیص حقوق متهم نمی‌توان به آنچه در قوانین و مقررات داخلی آمده اکتفا کرد. متهم یکی از افراد بشر است و بشر امروز، حقوق و آزادی‌هایی فراتر از اندیشه قانونگذاران قدرت‌طلب داخلی دارد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که براساس ماده ۲۸ کنوانسیون مربوط به حقوق مدنی و سیاسی تشکیل شده و از صلاحیت تفسیر مفاد کنوانسیون برخوردار است اظهار داشته که «اساساً برای بررسی این که محاکم ملی مقررات قانونی دولت متبوع خویش را به موقع اجرا گذاشته‌اند یا نه صلاحیت ندارد. صلاحیت کمیته در بررسی این نکته خلاصه می‌شود که آیا حقوق و آزادی‌های شناخته شده در کنوانسیون مورد ملاحظه و مراعات دادگاه واقع شده‌اند یا نه».<sup>۲</sup>

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز که امروزه عهده‌دار نقش هوشمندانه‌ای در احیای حقوق شهروندان تابع دولت‌های عضو اتحادیه اروپا است، حقوق تزییع شده این شهروندان را، نه در قوانین و مقررات ملی، بلکه در متون و اسناد فراملی، به ویژه در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی جستجو می‌کند و چنان که معلوم است بارها به استناد نقض مقررات همین اسناد، رأی به محکومیت دولت‌های عضو داده است. نکته قابل ملاحظه آن است که مراجع مذکور حقوق و آزادی‌های شناخته شده در متون و منابع فراملی

1. Paul Sieghart: *The International law of Human Rights*, p.24.

2. Ibid, p 280.

را به گونه‌ای «موسع»<sup>۱</sup> و محدودیت‌ها و مستثنیات آن‌ها را به طور «محدود»<sup>۲</sup> تفسیر می‌کنند.<sup>۳</sup>

موارد زیر از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر و بعضی از دادگاه‌های داخلی اروپایی از مصادیق تردید در منصفانه بودن محاکمه به شمار رفته‌اند:

- هنگامی که دادگاه رسیدگی کننده اظهاراتی تند و تعصب آمیز درباره متهم و رفتار او داشته باشد، به نحوی که تردید دیگران را درباره بیطرفی خود برانگیزد.<sup>۴</sup>

- هنگامی که رسیدگی به اتهام، مسبق به رقابت‌های انتخاباتی و منازعات مطبوعاتی باشد؛ به ویژه اگر مردمان عادی به عنوان عضو هیأت منصفه وارد جریان رسیدگی شده باشند.<sup>۵</sup>

- هنگامی که دادگاه رأی خود را بر دلایلی که از طریق شایعه و شهادت بر مسموعات<sup>۶</sup> به دست آمده استوار سازد؛ دلایلی که ارزیابی و ردّ و ابطال آن‌ها مقدور نباشد.<sup>۷</sup>

- هنگامی که دلایل اتهام از طریق تطمیع کردن بعضی از شرکا و معاونان جرم به برخوردار شدن از معاذیر و معافیت‌های قانونی به دست آمده باشد و چنین دلایلی در دادگاه مورد استناد واقع شده باشند.<sup>۸</sup>

- هنگامی که دادگاه یکی از دلایل مورد استناد متهم را نادیده بگیرد و به هر دلیل از ملاحظه و ارزیابی آن خودداری کند.<sup>۹</sup>

1. Extensive
2. Restrictive

۳. عالیہ ارفعی و همکاران؛ حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، ص ۲۰۶.

4. Mr. and Mrs. X.V. United Kingdom
5. X.V. Austria- X.V. Norway
6. Hearsay
7. X.V. Federal Republic of Germany
8. X.V. United Kingdom
9. Decision of 7 January 1971, Cour de cassation, Belgium

- هنگامی که یکی از اصول و قواعد بنیادین حقوقی در مراحل تعقیب و تحقیقات مقدماتی نادیده گرفته شود.<sup>۱</sup>
- هنگامی که دادگاه پس از استماع مدافعات متهم و وکیل وی، اقدام به قرائت حکمی کند که متن آن از قبل تنظیم و امضا شده باشد.<sup>۲</sup>

### ج) علنی بودن محاکمه<sup>۳</sup>

علنی بودن محاکمه هنگامی است که شهروندان عادی امکان حضور در جلسات دادگاه را داشته باشند و بتوانند جریان رسیدگی و اظهارات اطراف دعوا را مشاهده و استماع کرده، از نزدیک بر فرایند اجرای عدالت نظارت نمایند. علنی بودن محاکمه که از ویژگی‌های نظام دادرسی تفتیشی است و از رُم باستان به یادگار مانده<sup>۴</sup> در واقع سبب می‌شود که جریان رسیدگی تحت نظارت و ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد و اجرای عدالت راهی مطلوب و منصفانه‌تر در پیش گیرد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در یک توضیح کلی درباره این قسمت از بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون چنین اظهارنظر کرده است: «علنی بودن محاکمه یک تضمین مهم برای حفظ حقوق متهم و به طور کلی یکی از راه‌های اساسی تأمین مصالح عمومی است».<sup>۵</sup> علنی بودن، یک اصل یا قاعده کلی است. با این حال چنان که در بند ۱ ماده ۱۴ مقرر است در شرایط استثنایی، جریان رسیدگی در دادگاه به دلایلی ممکن است به صورت سری باشد: «به منظور مراعات اصول اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه دمکراتیک، مصالح زندگی خصوصی اصحاب دعوا و نیز در مواد خاصی که به تشخیص دادگاه محاکمه مضر به مصالح مربوط به اجرای عدالت است، تمام یا قسمتی از رسیدگی ممکن است غیرعلنی باشد. اما در هر حال، حکم صادر شده در امور جزایی یا حقوقی علنی خواهد بود، مگر این که مصالح مربوط به صغار مقتضی خلاف آن باشد، یا

1. Decision of 30 December 1971 Hoge Road Nether land  
2. Satharazinghe V. Jurianz (Supreme Court of Ceylon)  
3. Public Hearing

۴. محمد آشوری؛ آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، صفحه ۲۱.

5. Documents Sent by Amnesty International to the Islamic Republic of Iran, p. 32.

محاكمه مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد». کمیته حقوق بشر درباره این موارد خلاف قاعده هم تفسیری دارد: «درست است که بند ۱ ماده ۱۴ تحت شرایطی، غیرعلنی بودن جلسه‌های دادگاه را تجویز کرده است اما باید توجه داشت که در غیر موارد و شرایط استثنایی مذکور، علنی بودن محاکمه، ضروری است. همچنین باید دانست که حتی در موارد سری بودن محاکمه نیز صدور حکم نهایی دادگاه باید به صورت علنی باشد. از سوی دیگر علنی بودن محاکمه را نمی‌توان به اجازه ورود به گروهی خاص از افراد محدود کرد».<sup>۱</sup>

از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر، علنی بودن محاکمه هنگامی محقق است که «مسائل حکمی»<sup>۲</sup> و «امور موضوعی»<sup>۳</sup> هر دو با امکان نظارت عمومی، از سوی دادگاه تجزیه و تحلیل شوند.<sup>۴</sup> با این حال در مواردی که ممنوعیت عام وجود ندارد و تنها به افراد یا گروه‌های خاصی اجازه ورود به دادگاه داده نمی‌شود، رسیدگی همچنان علنی است. اما چنانچه جلسات دادگاه در محلی تشکیل شود که بر روی تنها درب ورودی آن نوشته باشند: «خصوصی»<sup>۵</sup> بی‌هیچ تردید باید گفت یکی از تضمین‌های دفاع متهم و حق حضور شهروندان در دادگاه نقض شده است، ولو این که قاضی رسیدگی کننده از قبل اعلام کرده باشد که در یک جلسه علنی به مسأله رسیدگی خواهد کرد.<sup>۶</sup>

نکته قابل توجه دیگر آن است که گرچه ماده ۱۴ کنواسیون بین‌المللی و ماده ۶ کنواسیون اروپایی تحت شرایطی سری بودن محاکمه را تجویز کرده‌اند، اما چنین تجویزی حتی در موارد ضرورت حمایت از حیات اطراف دعوا، حتی برای آنان و به طور طبیعی، تکلیفی برای دادگاه ایجاد نخواهد کرد.<sup>۷</sup>

1. Ibid

2. Matter of Law

3. Matter of Fact

4. Paul Sieghart, op. cit. p. 280.

5. Private

6. Paul Sieghart, op. cit. p. 281.

7. Decision of July 1969. B.G. Federal Republic of Germany

## د) استقلال و بیطرفی دادگاه<sup>۱</sup>

استقلال و بیطرفی دادگاه دارای دو وجه است: یکی عدم وابستگی به دیگر قوای حاکم و دیگری، عدم گرایش به یکی از اصحاب دعوا. دادگاه مستقل و بیطرف دادگاهی است که به دور از هر نوع محدودیت، توصیه، مداخله یا فشار مستقیم یا غیرمستقیم، تصمیمات خود را صرفاً بر واقعیات موجود در پرونده و مقررات قانونی حاکم بر آن واقعیت‌ها استوار سازد. کمیسیون اروپایی حقوق بشر بر این نکته تأکید تام کرده که ضرورت استقلال دادگاه، مستلزم نصب دائمی قضات و عدم امکان انتقال محل خدمت آنان نیست، بلکه آنچه ضرورت دارد این است که دادگاه در انجام وظایف قضایی خود از هرگونه مداخله و اعمال نفوذ مصون باشد.<sup>۲</sup>

به عنوان یکی از اصول مسلم دادرسی، چنانچه قاضی رسیدگی کننده از قبل به هر عنوان در پرونده مورد رسیدگی اظهار نظر کرده باشد، دیگر قاضی مستقل، بیطرف و دارای صلاحیت رسیدگی به شمار نمی آید. دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آرای خود اظهار داشته که اگر رئیس دادگاه سابقاً به عنوان معاون دادستان در تحقیقات مقدماتی مداخله کرده باشد دیگر نمی توان گفت در چنین دادگاهی تضمین های مربوط به حفظ حقوق متهم از جمله اصل بیطرفی دادگاه رعایت شده است.<sup>۳</sup>

یک نکته دیگر این است که در نظام های ارزشی یا انقلابی که ساختار سیاسی آنها غالباً از نوع تک حزبی است، اعمال کنندگان قدرت عمومی و از جمله دادرسان محاکم از میان قشر یا طبقه خاصی از طبقات اجتماعی که دارای وابستگی فکری به طبقه حاکم هستند گزینش می شوند. در این نظام ها، مسأله بیطرفی دادگاه به ویژه در موارد رسیدگی به جرائم سیاسی و امنیتی به شدت مورد تردید است. انتظار ترجیح عدالت و انصاف بر منافع سیاسی از دادگاهی که از روی اعتقاد یا مصلحت، خود را بخشی از پیکره حزب حاکم و مدافع مصالح آن می شمارد بسیار خوش بینانه و به دور از واقع است. از نظر کمیسیون امریکایی

1. Independence and Impartial of the Court

2. Paul sieghart, op. cit.p.284

3. Pier sak V. Belgium

حقوق بشر غالب دادگاه‌های ویژه‌ای که به دنبال بروز انقلاب‌های سیاسی و بحران‌های اجتماعی تشکیل می‌شوند، واجد وصف استقلال و بیطرفی مورد نظر در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی) نیستند. در این گونه دادگاه‌ها معمولاً افراد فاقد سوابق و صلاحیت‌های قضایی درباره سرنوشت متهمان تصمیم می‌گیرند؛ افرادی که هنوز تحت تأثیر هیجانات روانی ناشی از انقلاب و سرمست از پیروزی‌های به دست آمده، بیش‌تر به خشونت و تعصب گرایش دارند تا عدالت و انصاف.<sup>۱</sup>

## ۲. پیش فرض برائت<sup>۲</sup>

به موجب بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی: «هرکس متهم به ارتکاب جرم شود مادام که تقصیر او موافق قانون اثبات نشده حق دارد از پیش فرض برائت برخوردار باشد». بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی، ماده ۲۶ اعلامیه امریکایی، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی، بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی و بند ۵ ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز بر این مطلب تصریح تمام دارند. پیش فرض برائت متهم که امروزه میراث حقوقی مشترک ملل مترقی جهان محسوب می‌شود،<sup>۳</sup> و حاکمیت آن بر محاکمه‌های جزایی برای نخستین بار و به طور رسمی در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق بشر فرانسه مورد قبول قرار گرفته است. براساس ماده ۹ اعلامیه مذکور: «افراد تا زمانی که محکوم نشده‌اند، بی گناه محسوب می‌شوند...».

آنچه در مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای فوق مورد نظر بوده این است که اولاً دادگاه نمی‌تواند وظیفه قضایی خود را با اعتقاد و حتی به گمان مجرمیت متهم آغاز کند. بار اثبات مجرمیت متهم بر دوش دادسرا است و هر نوع تردید و ابهام به نفع متهم تأویل می‌شود. ثانیاً دادگاه باید امکان ارزیابی و رد و ابطال اتهام را فراهم سازد. تقصیر متهم تنها به استناد دلایل غیرقابل ردی که مستقیماً از قانون نشأت می‌گیرند قابل اثبات است. اصل یا

1. Paul Sieghart, op. cit, p.283.

2. Presume Ption of innocent

۳. محمد آشوری، اصل برائت و آثار را در امور کیفری، صفحه ۳۹.

پیش فرض برائت از جمله اصول و قواعد بنیادین دادرسی کیفری است، که از حقوق شهروندان در برابر قدرت طلبی‌های نهادهای عمومی حمایت می‌کند. پیش از اثبات تقصیر فرد در دادگاه صالح و به موجب قانون، هر نوع اظهار نظر مقامات عمومی درباره مسئولیت و مجرمیت وی نقض پیش فرض مورد بحث تلقی می‌شود. افزون بر این، ایجاد محدودیت برای افراد - هر چند به صورت موقت و پیش از کشف دلیل و توجه اتهام به نحو معقول - نیز نقض اصل برائت محسوب می‌شود.

از یک جنبه دیگر باید گفت در تمام مواردی که استقلال و بیطرفی دادگاه به زیان متهم نقض شده، فرض برائت او نیز نادیده گرفته شده است. از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در تمامی مواردی که در مراحل مقدماتی رسیدگی به منظور اخذ اقرار و تأمین دلیل، متهم مورد بدرفتاری قرار گرفته، اگر دلیلی که از این راه به دست آمده مورد استناد دادگاه واقع شود، پیش فرض برائت متهم نادیده گرفته شده است. همین طور در مواردی که اظهارات نماینده دادرسی و شهود، آرامش طبیعی دادگاه را بر هم زده و با واکنش رئیس دادگاه مواجه نشده باید بر این گمان بود که دادگاه از آغاز به مجرمیت متهم معتقد بوده است.<sup>۱</sup> از نظر این دیوان از جمله موارد نقض بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی یا بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی این است که دادگاه در جریان رسیدگی اعلام کند متهم مرتکب رفتاری شده که از نظر وی نقض یکی از مقررات جزایی و از مصادیق یکی از تعاریفات و توصیفات موجود در قوانین و مقررات جزایی محسوب است.<sup>۲</sup>

در نظام حقوقی کامن‌لا بارها گفته شده که درخواست دادرسی از اعضای هیأت منصفه برای موضع‌گیری در برابر متهم به خاطر سکوت در مراحل مقدماتی و عدم ارائه دلیل در دادگاه، فرض برائت را به مخاطره می‌اندازد.<sup>۳</sup>

1. X. V. Federal Republic of Germany  
 2. Adolf V. Austria, Report & October 1980  
 3. Paul sieghart, op. cit, p. 279.



به نظر می‌رسد از نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل اساساً نقض هر یک از حقوق پیش‌بینی شده در بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون و محروم کردن متهم از یک محاکمه منصفانه، خود به خود نقض اصل یا پیش‌فرض برائت نیز خواهد بود.<sup>۱</sup>

قلمرو اجرای اصل برائت به مرحله اثبات تقصیر متهم محدود می‌شود و به مرحله تعیین نوع یا میزان مجازات پس از اثبات مجرمیت تعمیم پیدا نمی‌کند. اصل برائت مانع از این نیست که سوابق و ویژگی‌های فرد مرتکب و کیفیت ارتکاب جرم توسط او در تعیین مجازات جرمی که با رعایت قانون در دادگاه صالح اثبات شده تأثیر بگذارند. از سوی دیگر باید دانست که تحقیق مراجع صالح و اخذ تدابیر و تأمینات قانونی پس از توجه اتهام، هر اندازه که برای متهم ایجاد محدودیت کند، نقض اصل یا پیش‌فرض برائت نخواهد بود. نهادهای ناظر بر اجرای حقوق بشر، موادی نظیر موارد زیر را مغایر مفاد بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی ندانسته‌اند:

- دست‌بند زدن به متهم در مراحل مختلف رسیدگی حتی در برابر هیأت منصفه.
- انجام آزمایش‌های پزشکی ضروری بر روی متهم.
- سنجش اندازه الکل موجود در خون متهم.
- گرفتن عکس یا اثرانگشت متهم یا هر نوع مدرک مربوط به هویت او و بایگانی کردن آن.
- استفاده از وقایع موجود در محاکمات دیگر و نتایج حاصل از آن‌ها علیه متهم.
- اعلام این که فرد یا افرادی در ارتباط با ارتکاب جرم خاصی دستگیر شده‌اند یا این که افراد خاصی مظنون به ارتکاب جرم مورد نظر هستند.
- اعلام عمومی جریان تحقیقات و بازجویی‌های اولیه و حتی اعلام این که فرد یا افراد خاصی به ارتکاب جرم مورد نظر اعتراف کرده‌اند.<sup>۲</sup>

1. *Perdoma and de Ianza v. Uruguay*, (R.2/8) HRC.35,111.,pub,14 December 1981

2. Paul Sieghart, op cit. p. 297-8.

### ۳. برخورداری از کم‌ترین تضمین‌های دفاع<sup>۱</sup>

بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در هشت قسمت تنظیم شده و هر قسمت، متضمن یکی از حقوق متهم در دعاوی جزایی است؛ حقوقی که در مجموع تحت عنوان کم‌ترین تضمین‌های دفاع مطالعه می‌شوند. بند ۳ ماده کنوانسیون اروپایی، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه امریکایی، ماده ۸ کنوانسیون امریکایی و ماده ۷ منشور افریقایی حقوق بشر هر کدام به نوعی به شناسایی و حمایت این تضمین‌ها پرداخته‌اند. این تضمین‌ها به شرح زیر در واقع از اساسی‌ترین شاخص‌های آنچه محاکمه منصفانه خوانده می‌شود به شمار می‌آیند:

الف) تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام به زبانی که برای متهم قابل فهم باشد: آن گونه که در قسمت اول بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و قسمت اول بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی آمده: «هر کس در مظان اتهام به ارتکاب جرم قرار گیرد حق دارد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به زبانی که با آن آشنا است به تفصیل از ماهیت اتهامی که متوجه او شده آگاه شود».

حق اطلاع دقیق از زمینه اتهام، و نوع و درجه آن که در ابتدایی‌ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت گیرد برای آن است که متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده کند و میان او و مدعی که پیشاپیش از مفاد و جزئیات و دلایل اتهام آگاه است، موازنه قوا برقرار شود. ضرورت تفهیم اتهام مستلزم آن است که مواد قانونی ناظر به اتهام و همچنین دلایل توجه اتهام نیز به متهم اعلام شود. بنابراین پیش از تشکیل جلسات رسیدگی، ارائه مدارک مدعی به متهم و تسلیم رونوشت اظهارات شهود و به طور کلی تمامی اسناد و مدارکی که مستند ادعای مدعی است ضروری به شمار می‌رود. منطبق این تضمین به همراه آنچه از فحوی قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و قسمت پنجم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی در خصوص استفاده رایگان از مترجم مستفاد می‌گردد، مستلزم آن است که اسناد و مدارک تنظیم شده به زبانی آشنا برای متهم به هزینه دادگاه یا دادرسی ترجمه

1. Minimum guarantees for the defence.

شوند. گرچه می‌توان گفت که چنین حقی تنها به اسناد و مدارک مؤثر در دفاع مربوط می‌شود و متهم نمی‌تواند ترجمه کلیه اوراق پرونده را درخواست نماید.

ب) برخوردار از وقت و تسهیلات مناسب به منظور آمادگی برای دفاع و ارتباط با وکیل منتخب: بر اساس مفاد قسمت دوم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و قسمت دوم بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی: «هر کس در مظان اتهام به ارتکاب جرمی واقع شود، حق دارد از وقت و تسهیلات مناسب به منظور آماده شدن برای دفاع و ارتباط با وکیلی که خود انتخاب کرده برخوردار شود». مدت زمان لازم و تسهیلات مناسب برای دفاع، بستگی به مسائل گوناگون دارد؛ از جمله نوع و ماهیت اتهام، پیچیدگی اتهام و دلایل توجه آن، شمار اتهامات وارده و این که متهم خود به طور شخصی به دفاع می‌پردازد یا از طریق وکیل منتخب. از نظر کمیته آمریکایی حقوق بشر، فرصت‌هایی چون ۲۴ یا ۴۸ ساعت به هیچ وجه مدت زمان مناسب<sup>۱</sup> تلقی نمی‌شوند.<sup>۲</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل در یک توضیح کلی اظهار داشته که تسهیلات مورد نظر عبارتند از: امکان دسترسی به کلیه اسناد و دلایل مؤثر در دفاع و فرصت عقد قرارداد و کالت و مذاکرات لازم با وکیل منتخب.<sup>۳</sup>

ج) حق محاکمه بدون تأخیر ضروری: قسمت سوم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی مقرر داشته که شخص متهم به ارتکاب جرم باید «بدون تأخیر»<sup>۴</sup> مورد محاکمه قرار گیرد. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد در این قسمت تصریحی ندارد. ظاهراً تنظیم‌کنندگان متن این کنوانسیون تضمین مقرر در بند ۱ ماده ۶ را در خصوص «معقول بودن مدت محاکمه»<sup>۵</sup> کافی دانسته‌اند. کما این که از نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل هم میان تضمین پیش‌بینی شده در بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و آنچه در بند ۳ ماده ۹ آن در خصوص محاکمه افراد بازداشت شده در مدت زمان معقول آمده تفاوتی وجود ندارد و نقض یکی به منزله نقض دیگری است.<sup>۶</sup> همین کمیته در یک

1. Adequate time

2. Paul Sieghart, op cit, p. 299.

3. Amnesty International, op cit, p. 35.

4. Undue delay

5. Hearing in a reasonable time

6. Antonaccio V. Uruguay. R. 14/63. , Pub 14 December 1987.

توضیح یا تفسیر کلی اظهار داشته که برخورداری از حق مورد بحث هنگامی محقق است که در تمامی مراحل رسیدگی، اعم از بدوی و تجدیدنظری هیچ گونه تأخیر غیر ضروری صورت نگرفته باشد. این تضمین به متهم حق می‌دهد که جمع‌آوری ادله اتهام از جمله احضار شهود و ثبت اظهارات آنان در حداقل مدت زمان لازم به عمل آید.<sup>۱</sup> علت تضمین مورد بحث، ضرورت تعجیل در پایان دادن به اضطراب و احساس ناامنی متهم و خاتمه دادن به بحران روانی - اجتماعی و دیگر زیان‌ها و آسیب‌هایی است که با ایراد اتهام برای او و خانواده‌اش به وجود آمده است.

د) حق حضور در دادگاه و دفاع از خود به طور شخصی یا توسط وکیل: قسمت چهارم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و قسمت سوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی تصریح دارند که: «متهم حق دارد در محاکمه حاضر شود و به طور شخصی یا توسط وکیل منتخب از خود دفاع کند؛ و چنان چه وکیل نداشته باشد از حق داشتن وکیل مطلع گردد و در صورت اقتضای عدالت و عدم توانایی، به صورت رایگان برای وی وکیل تعیین شود». قسمت «د» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی و قسمت «ب» بند ۱ ماده ۷ منشور افریقایی حقوق بشر نیز چنین تضمینی را پیش‌بینی کرده‌اند.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر کلی این تضمین گفته است که متهم یا وکیل او باید از حق شرکت و دفاع فعال در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی برخوردار باشند؛ همچنان که در صورت اعتقاد به غیرمنصفانه بودن محاکمه از حق اعتراض به دادگاه برخوردارند.<sup>۲</sup> کمیسیون اروپایی حقوق بشر در دعوای آرتیکو علیه دولت ایتالیا تضمین پیش‌بینی شده در قسمت سوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون را از اساسی‌ترین شاخص‌های مفهوم محاکمه منصفانه تلقی کرده است. نماینده دولت ایتالیا در دعوای مزبور اصرار داشته که نقض تضمین مورد بحث محدود به مواردی است که متهم به واسطه عدم حضور در دادگاه یا عدم برخورداری از معاضدت وکیل متحمل زیانی شده باشد؛ ولی کمیسیون با این استدلال که چنین تفسیری نه در منطوق عبارت قسمت سوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون

1. Amnesty International, op. cit, p.38.

2. Report B March 1979

می‌گنجد، نه در منطق و مفهوم آن، مفاد مقررہ مورد بحث را متضمن یک تضمین مطلق از تضمین‌های دفاع شمرده است.<sup>۱</sup>

با این حال به نظر می‌رسد که چون علت پیش‌بینی چنین تضمینی حمایت از حقوق متهم در دعای جزایی است، چنانچه متهم خودش از چنین تضمینی صرف‌نظر کند و از حضور در مراحل دادرسی امتناع ورزد، محاکمه غیابی وی امکان‌پذیر است. در هر حال، مراجع رسیدگی کننده مکلف به احضار متهم هستند، همچنان که موظفند او را از حق داشتن وکیل آگاه سازند، وکیل منتخب وی را در مراحل مختلف رسیدگی بپذیرند، مدافعاتش را استماع کنند و در صورت عدم توانایی مالی متهم و اقتضای عدالت به صورت رایگان برای وی تعیین وکیل کنند.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل موارد آتی را نقض قسمت سوم بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون دانسته است:

- هنگامی که متهم از امکان دسترسی به هر نوع مشاوره حقوقی محروم باشد.
- هنگامی که فردی برخلاف میل متهم به عنوان وکیل مدافع وی انتخاب شود.
- در مواردی که امکان ارتباط با وکیل از متهم سلب شود.
- در صورتی که حق حضور متهم یا وکیل وی در مراحل مختلف رسیدگی نادیده گرفته شود.<sup>۲</sup>

از نظر کمیسیون امریکایی، از جمله موارد نقض حقوق بنیادین بشر موردی است که وکلایی که مسئولیت دفاع از متهمان سیاسی را به عهده می‌گیرند مورد تهدید و ارعاب و تعقیب واقع شوند یا پروانه و کالت آنان ضبط یا تعلیق یا لغو گردد که در موارد بدرفتاری و اهانت به وکلا، بازداشت شدن، ناپدید شدن یا کشته شدن آنان نیز همین قضیه به طریق اولی<sup>۳</sup> صادق خواهد بود.<sup>۴</sup>

1. Paul Sieghart, op. cit, p. 300.

2. Paul Sieghart, op. cit, p. 300.

3. Reasonment a Fortiori

4. Paul Sieghart, op. cit, p. 301.

کنفرانس هفتم سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم (میلان ۱۹۸۵) ضمن تأکید بر اهمیت نقش وکیل در دعاوی جزایی، اصول اساسی آن را برشمرده و مقرر داشته که امکان برخورداری از وکیل بی هیچ تبعیض و تمایز باید برای همه فراهم باشد. دولت‌ها و کانون‌های وکلا موظف به پیش‌بینی تمهیدات لازم برای اعمال چنین حقی هستند. امکان ارتباط مستمر با وکیل و برخورداری از وکالت رایگان در موارد عدم تمکن مالی و منع سلب امکان استمداد از وکیل از حقوق تغییر ناپذیر متهم محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> این گونه تدابیر و تضمین‌ها را امروز قوانین اساسی و مقررات آیین دادرسی کیفری بیش‌تر کشورها پذیرفته‌اند.<sup>۲</sup>

ه) حق مواجهه با شهود مخالف و تسهیل ادای شهادت شهود موافق: بنا بر آنچه در قسمت پنجم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و قسمت چهارم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی آمده: «متهم حق دارد از شهودی که علیه وی شهادت داده‌اند سؤال کند یا بخواهد که از آنان سؤال شود، همچنان که حق دارد شهودی که به نفع او شهادت می‌دهند با همان شرایط و تسهیلات شهود مخالف احضار شوند و شهادتشان استماع گردد». منطق این تضمین که در بند ۳ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز مورد تصریح واقع شده، موازنه قدرت میان متهم و مدعی و امکان ارزیابی و ابطال شهادت شهود دادرسی یا شاکی خصوصی است.

باید توجه داشت که مقررات مورد اشاره حاوی یا حامی یک حق مطلق برای متهم نیستند. مفاد مقررات مزبور مانع از آن نخواهند بود که قوانین و مقررات ملی، احضار شهود و استماع و ارزیابی مفاد شهادت آنان را مشروط به شروطی کنند. آنچه از نظر این مقررات ضرورت دارد، آن است که شرایط و محدودیت‌های ایجاد شده همچون تسهیلات و امتیازات اعطا شده به طور یکسان نسبت شهود طرفین دعوا اعمال گردد. افزون بر این، محاکم ملی می‌توانند در عین مراعات روح تضمین مورد بحث، درباره این مسأله که آیا

۱. مصطفی، العوجی، حقوق الانسان فی الدعوی الجزائیة، ص ۷۰۴.

۲. نگاه کنید به: محمد آشوری، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری، ص ۵۶ به بعد.

شهود به انگیزه کشف حقیقت وارد دعوا شده‌اند یا خیر، تصمیم بگیرند و در صورت منفی بودن پاسخ، از استماع اظهارات آنان یا استناد به چنین اظهاراتی امتناع ورزند. همین طور باید گفت که متهم نمی‌تواند به بهانه استیفای یک حق مطلق، هر پرسشی را که می‌خواهد مطرح سازد و پاسخ آن‌ها را از شهود مقابل درخواست کند، بلکه اعمال این حق تحت نظارت و کنترل دادگاه خواهد بود. همچنین باید گفت که مراعات تضمین مورد بحث مستلزم حضور متهم هنگام ادای شهادت شهود مقابل نیست؛ زیرا گرچه او در مقام دفاع حق دارد تکرار شهادت آنان را در دادگاه درخواست کند. گفته شده که منظور از عبارت «با همان شرایط»<sup>۱</sup> تنها شرایط حقوقی و قانونی نیست؛ زیرا مراعات یکسان مقررات قانونی نسبت به شهود متهم و مدعی کفایت نمی‌کند، بلکه این مسأله نیز باید مورد توجه واقع شود که آیا دادگاه در اجرای وظایف قانونی و قضایی خود رفتار یا برخوردی یکسان با اطراف دعوا داشته است یا خیر؟ همین طور گفته شده که دادگاه به عنوان یک «امر ناشی از حق»<sup>۲</sup> موظف است متهم را از حق احضار شهود موافق و مواجهه با شهود مخالف آگاه سازد؛ همچنان که موظف است در صورت درخواست متهم، شهودی را که در غیاب وی شهادت داده‌اند مجدداً فراخواند و در حضور متهم، اظهارات آنان را دوباره استماع کند.<sup>۳</sup>

و) برخورداری از کمک رایگان مترجم: بر اساس قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی، قسمت پنجم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و قسمت اول بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر: «متهمی که زبان دادگاه برای او قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست حق دارد از کمک رایگان یک مترجم برخوردار گردد». قسمت چهارم بند مورد بحث چنان که گذشت برخورداری از وکالت رایگان را تحت شرایطی پذیرفته بود: عجز متهم از پرداخت حق الوکاله و اقتضای عدالت؛ اما قسمت ششم چنان که پیدا است حق ترجمه رایگان را به طور مطلق پیش‌بینی کرده است. بنابراین کمک

1. Under the same conditions  
 2. Ex debito justitae  
 3. Paul sieghart, op cit. p. 302.

رایگان مترجم بدون توجه به موقعیت مالی متهم صورت می‌گیرد. اقتضای عدالت هم خود به خود در ذات ترجمه نهفته است و تقیید مفاهیم قانونی به ذاتیات خود ضرورت ندارد. واژه رایگان را به معنای متبادر و مدلول متعارف آن باید حمل کرد؛ یعنی معافیت مطلق، تمام و یکباره از پرداخت. معافیت مشروط، جزئی و موقت، خلاف معنای ظاهر مقرر در مورد بحث است. از سوی دیگر باید توجه داشت که تضمین مورد بحث تنها به ترجمه مذاکرات و پرسش و پاسخ‌های شفاهی در دادگاه مربوط نمی‌شود، بلکه ترجمه تمامی اسناد و مدارک و اظهارات مربوط به محاکمه و مؤثر در دفاع را نیز در بر می‌گیرد؛ و اقتضای محاکمه منصفانه چنین است. از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر، حق استفاده از ترجمه رایگان تنها به آنچه میان متهم و دادگاه می‌گذرد مربوط می‌شود و شامل مذاکرات میان متهم و وکیل وی نمی‌گردد، همچنان که اظهارات و مدافعات وکیل مدافع متهم را در بر نمی‌گیرد؛ اما بعضی از محاکم ملی بر این باورند که حق یا تضمین مورد بحث باید به گونه‌ای تفسیر شود که ترجمه مذاکرات میان متهم یا زندانی خارجی را با وکیل وی شامل شود. برخی نیز با یک تفسیر محدود، حق استفاده رایگان از مترجم را تنها در دادگاه و در مرحله رسیدگی به معنای اخص قابل طرح دانسته و نادیده گرفتن چنین حقی را تنها در این مرحله از مراحل رسیدگی از جهات درخواست تجدید نظر شمرده‌اند.<sup>۱</sup>

ز) منع اجبار به اقرار به مجرمیت یا شهادت علیه خود: مطابق قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی و قسمت هفتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر: «متهم را نمی‌توان وادار به اقرار به مجرمیت یا شهادت علیه خود کرد». منع اجبار به «اقرار به مجرمیت»<sup>۲</sup> پس از الغای «دادگاه‌های سری»<sup>۳</sup> در انگلستان در قرن هفدهم به عنوان یکی از اصول بنیادین محاکمات جزایی مطرح شده و به اسناد و اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهای مختلف راه یافته است. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که به طور تقریبی همه جا با مفاد

1. Ibid, p.304. Decision of 10 August 1968 Bureau d'assistance judiciaire du tribunal de Bruxelles and Decision of Supreme Court of Nigeria 1962.

2. Self \_ incrimination

3. Star chamber



مقررات کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هماهنگی دارد، ذکری از تضمین مورد بحث به میان نیاورده است. شاید تنظیم‌کنندگان متن این کنوانسیون اصول کلی‌تر مندرج در آن را کافی دانسته‌اند. برعکس، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، علاوه بر تصریح به ممنوعیت اجبار به اقرار در بند ۲ ماده ۸ اشعار دارد که اعتراف متهم تنها در صورتی ارزشمند و قابل استناد است که به دور از هرگونه تهدید یا اجبار و «اضطرار»<sup>۱</sup> به عمل آمده باشد.

در هر حال اجبار به اقرار آن است که متهم تحت تأثیر تحریک، تهدید، وعده‌های امیدوارکننده، فشارهای روانی یا شکنجه و آزار، اتهام انتسابی را تصدیق و خود را عامل ارتکاب جرم مورد ادعا معرفی کند. اجبار به شهادت علیه خود نیز هنگامی محقق است که متهم تحت تأثیر عوامل مذکور و ادار به ارائه دلیل و ادای اظهارات موافق با ادعای دادرسی یا شاکی خصوصی شود. از نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، اجبار متهم به امضای مطالبی که مبین معجزیتش باشد، نقض آشکار مفاد قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون است. کمیته مذکور بر این باور است که دادگاه رسیدگی‌کننده به اتهام باید هر نوع ادعای مربوط به نقض حقوق متهم در مراحل مختلف تعقیب و تحقیق از جمله ادعای اجبار به اقرار را نیز مورد توجه و رسیدگی قرار دهد.<sup>۲</sup> در ایالات متحده امریکا گفته شده که تحقیق نامتعارف از متهم و ضبط اسناد و مدارک او بدون رعایت مقررات مربوط، نقض تضمین مورد بحث است و دلایل به دست آمده از این راه به هیچ وجه نمی‌توانند مورد استناد دادگاه واقع شوند.<sup>۳</sup>

#### ۴. جدایی آیین دادرسی اطفال از افراد بزرگسال

بند ۴ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی مقرر داشته: «رسیدگی به اتهامات اطفال باید با ملاحظه سن و در شرایطی مطلوب و متناسب با رشد شخصیت و هماهنگی با ضرورت اصلاح و

1. Coercion

2. Amnesty International, op cit, p. 39.

3. Paul Sieghart, op cit, p. 304.

بازپروری آنان به عمل آید. این تضمین یا حق در کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطرح شده و در سایر اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ذکر شده از آن به میان نیامده است. به هر حال با توجه به ویژگی‌های شخصیتی اطفال و تأثیر نامطلوب تدابیر نسنجیده و تصمیمات غیرعلمی در شخصیت و تربیت آنان، تفکیک آیین رسیدگی به اتهام آنان از مقررات عمومی دادرسی‌های جزایی ضرورت تمام دارد. منطق دادرسان محاکم جزایی عمومی که ذهن و زبانشان به تحمیل مجازات و تنبیه مجرمان خود گرفته با اهداف مورد نظر در رسیدگی به اتهام کودکان و تدابیر تأمینی و اقدامات تربیتی که به جای تنبیه و مجازات در مورد آنان اعمال می‌گردد هماهنگ نیست. دادگاه رسیدگی کننده به اتهام اطفال بیش و پیش از آن که نیازمند اطلاعات حقوقی و قانونی باشد نیازمند دانش‌های روان‌شناختی و تجربه‌های تربیتی است. آنچه از لحظه توجه اتهام به اطفال تا زمان صدور حکم نهایی و اجرای ضمانت اجرای قانونی درباره آنان اعمال می‌گردد همه باید در راستای ضرورت اصلاح، تربیت، درمان و بازپروری آنان باشد. حمایت قانونی و قضایی ویژه و تدابیر و اقدامات توأم با حزم و حکمت و احتیاط درباره کودکان، تنها حکم منطق سلیم یا توصیه دانش‌های امروزی نیست، بلکه حقی از حقوق اساسی آنان نیز به شمار می‌رود؛ حقی که نادیده گرفتن آن، خواه به عمد خواه به تساهل، ظاهراً نقض یکی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به حساب می‌آید، ولی در واقع باید آن را تقویت عوامل آسیب‌های اجتماعی و کمک به تکوین شخصیت‌های انتقامجوی جامعه‌ستیز به شمار آورد.

## ۵. حقوق ناشی از صدور حکم یا اجرای آن

### الف) حق درخواست تجدیدنظر

بر اساس بند ۵ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی: «هر کس به خاطر ارتکاب جرمی محکومیت یافته حق دارد محکومیت و مجازاتش از سوی دادگاهی بالاتر، موافق قانون مورد رسیدگی مجدد واقع شود». این حق در قسمت هشتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی نیز پیش‌بینی شده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر درباره این حق یا تضمین نیز ساکت است، اما

ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون چنین سکوتی را جبران کرده و به روشنی از ضرورت مراعات حق تجدیدنظر محکومان یاد کرده است.

شاید بتوان درباره آثار مثبت مجازات مجرمان تردید کرد، ولی درباره آثار زیانبار مجازات محکومان بیگناه به هیچ وجه نمی‌توان تردید روا داشت. تجدیدنظر در احکام جزایی یکی از راه‌های پیشگیری از تحمیل مجازات بر متهمان بیگناه و آثار زیانبار آن است. حتی در شرایطی که صلاحیت، استقلال و بیطرفی دادگاه محرز است و دیگر تدابیر و معیارهای مربوط به محاکمه منصفانه نیز رعایت شده نمی‌توان ضرورت تجدیدنظر در احکام را نفی کرد، چرا که اشتباه قضایی یا قانونی دادگاه همیشه ممکن است و همین امکان اشتباه برای توجیه چنین ضرورتی کافی است.

اجرای مقررات راجع به تضمین مورد بحث از سویی مستلزم وجود دادگاه‌های تجدیدنظر و از سوی دیگر مقتضی پیش‌بینی مهلت مناسب برای درخواست تجدیدنظر است. علاوه بر این که نفی ضرورت یا مشروعیت درخواست تجدیدنظر یا عدم تشکیل دادگاه‌های تجدیدنظر و یا عدم پیش‌بینی مدت زمان لازم برای درخواست تجدیدنظر، نقض حقی از حقوق اساسی بشر امروز محسوب می‌شود، تعلل و تأخیر توأم با مسامحه در رسیدگی مجدد به محکومیت بدوی هم نقض چنین حقی خواهد بود. از نظر کمیته حقوق بشر، عدم رسیدگی به محکومیت متهم پس از ۳۴ ماه به عذر عدم دسترسی به پرونده بدوی، تخلف از دستور بند ۵ ماده ۱۴ کنوانسیون است.<sup>۱</sup> با این همه، ممکن است حق مورد بحث در مواردی نظیر محکومیت به مجازات‌های سبک و مواردی که محکوم<sup>۲</sup> علیه از همان آغاز در عالی‌ترین مراجع قضایی محاکمه شده محدود شود. بند دوم ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی چنین محدودیت‌هایی را پذیرفته است.

1. Pinkny V. Canada (Report 7,27) Pub, 14 December 1981

## ب) جبران زیان‌های وارد بر محکوم در موارد فسخ حکم به واسطه وقوع اشتباه در اجرای عدالت

طبق بند ۶ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی: «هرکس به موجب حکم نهایی به خاطر ارتکاب جرمی محکوم شود و محکومیت وی بعداً به واسطه کشف وقایع تازه یا حدوث وقایع جدید فسخ گردد یا مورد عفو قرار گیرد و معلوم شود که در اجرای عدالت اشتباهی رخ داده، حق دارد جبران زیان‌های وارد بر خود را که در اثر اجرای چنین حکمی متحمل شده مطابق قانون تقاضا کند، مگر این که ثابت شود مکتوم ماندن حقایق کلاً یا بعضاً منتسب به خود او است». این حق در ماده ۱۰ کنوانسیون امریکایی نیز با این عبارت پیش‌بینی شده است: «هرکس به موجب حکم نهایی مبتنی بر اشتباه و سوء اجرای عدالت متحمل مجازات شده حق دارد جبران زیان‌های وارد بر خود را موافق قانون تقاضا کند». کنوانسیون اروپایی در این قسمت نیز ساکت است، اما سکوتش در ماده ۳ پروتکل شماره ۷ با عبارتی تقریباً مشابه با عبارت بند ۵ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی جبران شده است.

این که در مقررات فوق گفته شده زیان‌های وارد بر محکومان بیگناه «مطابق قانون»<sup>۱</sup> باید جبران شود خود تلویحاً و از راه دلالت التزامی بیانگر آن است که دولت‌های عضو ملزم به تدوین مقررات داخلی ناظر به ضرورت جبران این گونه زیان‌ها هستند. با این حال باید دانست که جبران زیان‌های وارد شده مشروط به شروطی است. نخست آن که «حکمی نهایی»<sup>۲</sup> وجود داشته باشد، یعنی حکمی که امکان بررسی مجدد آن منتفی است. دوم این که محکوم علیه از طریق اجرای حکم مزبور «متحمل مجازات»<sup>۳</sup> شده باشد. سوم این که «اشتباهی در اجرای عدالت»<sup>۴</sup> رخ داده باشد و علل اشتباه داد‌گاه، به طور کلی یا جزئی منتسب به محکوم علیه نباشد. ناگفته پیداست که بار اثبات تحقق شرط اخیر بر دوش دولت است. نکته درخور توجه این است که ظاهراً تاکنون هیچ کدام از مقررات بین‌المللی

1. According to Law
2. Final decision
3. Suffered punishment or been sentenced
4. Miss carriage of justice

یا منطقه‌ای مربوط به ضرورت جبران این گونه زیان‌ها از سوی نهادهای ناظر بر اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تفسیر نشده‌اند.

### ج) منع محاکمه و مجازات مجدد

از دیگر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر در دعاوی جزایی، قاعده منع تجدید محاکمه و مجازات<sup>۱</sup> است. مفهوم این قاعده آن است که هیچ کس را نمی‌توان به خاطر اتهامی که در سابق به شیوه‌ای قانونی مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم قطعی، اعم از محکومیت و براءت شده، برای بار دوم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار داد؛ حتی اگر محکومیت سابق وی مورد عفو قرار گرفته یا مشمول مرور زمان شده یا به جهتی از جهات قانونی غیرقابل اجرا باشد. بند ۷ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی در این باره می‌گوید: «هیچ کس را نمی‌توان به خاطر جرمی که براساس قانون آیین دادرسی هر کشور به صورت نهایی به ارتکاب آن محکوم شده یا از آن براءت یافته به طور مجدد مورد محاکمه و مجازات قرار داد». بند ۱ ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی همین موضوع را عیناً مورد حکم قرار داده و سکوت کنوانسیون را جبران کرده است. بند ۴ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی تنها در خصوص احکام براءت مقرر داشته: «متهمی که به موجب حکم غیرقابل استیناف، براءت یافته نباید به خاطر همان اتهام دوباره مورد محاکمه واقع شود».

پذیرش قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد که یک قاعده فراقانونی و مقتضای قواعد عدل و انصاف است نیاز به استدلال ندارد. یک بار رسیدگی به اتهام فرد و مجازات یا براءت وی، همیشه و همه جا امکان تجدید محاکمه او را نفی خواهد کرد. در مواردی که فردی در کشوری متحمل مجازات شده یا به صورت نهایی تبرئه شده یا حکم محکومیت وی به جهتی از جهات قانونی غیرقابل اجرا اعلام شده و بعد از آن به کشور دیگری رفته و نیز در مواردی که فرد پیش از بروز یک بحران اجتماعی یا انقلاب سیاسی تبرئه شده یا

1. Non bis in idem

مورد مجازات قرار گرفته، دادگاه‌های کشورهای دوم یا دادگاه‌هایی که پس از بروز بحران یا انقلاب و استقرار نظام سیاسی یا حقوقی جدید تشکیل شده‌اند، به هیچ وجه نمی‌توانند به گمان عدم مشروعیت قوانین یا عدم صلاحیت محاکم پیشین یا به بهانه اختلاف در نوع یا میزان مجازات یا به هر علت دیگر دوباره مبادرت به محاکمه و مجازات شخص مذکور کنند. بداهت قاعده مورد بحث به اندازه‌ای است که مراجع و نهادهای ناظر بر اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد بنا به نوشته بعضی از محققان هنوز مجال تفسیر و توضیح آن را نیافته‌اند.<sup>۱</sup> قاعده مورد بحث را تقریباً تمام قانونگذاران ملی پذیرفته‌اند.<sup>۲</sup>

نکته‌ای که هست این است که اولاً اثبات محاکمه سابق به عهده متهم است و دادگاه در این باره تکلیفی ندارد و ادعای اثبات نشده متهم را نادیده خواهد گرفت. ثانیاً آن گونه که در بند ۲ ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده در موارد کشف دلایل و حقایق جدید یا احراز نقایص و ایرادهای اساسی در رسیدگی نخست، قاعده مورد بحث مانع تعقیب و محاکمه مجدد نخواهد بود. با این حال باید گفت که در آن گونه موارد نیز دادگاهی که برای بار دوم رسیدگی می‌کند از وظیفه احتساب مجازاتی که در نتیجه رسیدگی سابق تحمیل شده معاف نخواهد بود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بی‌هیچ تردید باید توسعه مفاهیم و معیارهای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد و بزرگداشت تدابیر و تضمین‌های آن را به ویژه دردعاوی جزایی از آشکارترین نشانه‌های مدنیت هر جامعه از جوامع بشری و از بارزترین شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی آن به شمار آورد. تکریم مقام و تعظیم شأن و شخصیت انبای بشر، در مراعات این گونه مفاهیم و معیارها یا تدابیر و تضمین‌ها نهفته است. تعارض میان حقوق بشر و الزامات برگرفته از سنت‌های ملی و باورهای مذهبی را از ذهن‌ها و زبان‌ها باید زدود. اگر متون و منابع ملی و

1. Paul Sieghart, op cit, p. 304.

۲. محمد علی معتمد، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۳۹.

مذهبی هم به درستی بازخوانی و ریشه‌یابی شوند و در معرض تفسیرهای منطقی و تأویل‌های بشردوستانه قرار گیرند معلوم خواهد شد که در ظروف زمانی و مکانی خود، در شناسایی و تثبیت حقوق انسانی افراد پیشرو بوده‌اند.

یک نکته قابل ذکر این است که امروزه دیگر به سختی می‌توان در تشخیص حقوق و آزادی‌های افراد به متون و منابع داخلی اکتفا کرد. بخش عمده‌ای از این حقوق و آزادی‌ها در اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای مطرح می‌شوند. از نظر دولت‌های مترقی و اندیشمندان آنان این که منابع حقوق و آزادی‌های اساسی افراد به دو بخش ملی و فراملی تقسیم شوند و هر دو یکسان مورد مطالعه و ارزیابی و استناد قرار گیرند امری کاملاً طبیعی و بی‌نیاز از استدلال است.<sup>۱</sup> قوانین و رویه قضایی این دولت‌ها به ویژه در موارد مشاهده مغایرت میان مقررات ملی و مفاد متون و منابع فراملی به سادگی مقررات ملی را به نفع الزامات فراملی کنار می‌گذارند. اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی فرانسه مصوب ۴ اکتبر ۱۹۵۸ اعتبار اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای را برتر از قوانین و مقررات داخلی شمرده است.<sup>۲</sup> دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آرای خود، محاکم ملی را از اجرای مقررات داخلی مغایر با احکام عهدنامه‌های خارجی بازداشته است. از نظر این دیوان محاکم ملی مکلفند منافع افراد را که در نتیجه عدم توجه به یک قاعده قابل اجرای بین‌المللی یا منطقه‌ای به مخاطره افتاده حفظ کنند. اثر مستقیم احکام عهدنامه از اجرای هر گونه تصمیم داخلی مغایر جلوگیری می‌کند. دکرین و رویه قضایی دولت‌های عضو جامعه اروپایی از این راه حل استقبال و حمایت کرده‌اند. دیوان کشور بلژیک در رأی مورخ ۲۰ می ۱۹۷۱ مقرر داشته که قاعده قابل اجرای حقوق بین‌الملل قراردادی، به واسطه طبیعت خود - علی‌رغم مقررات داخلی مغایر با آن - به وسیله قاضی ملی اجرا خواهد شد. قانون اساسی کشور هلند راه‌حلی مشابه با آنچه رویه قضایی بلژیک در پیش گرفته پیش‌بینی کرده است. با وجود سکوت قانون اساسی لوگزامبورگ، رویه قضایی این کشور مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای را حتی بر قوانین

۱. برنابولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۸۷ به بعد.

۲. همان، نیز نگاه کنید به: ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۱۵۵.

داخلی لاحق بر تصویب آن‌ها حاکم می‌داند. دادگاه قانون اساسی ایتالیا قانون داخلی مخالف با قاعده لازم الاجرای بین‌المللی را فاقد قدرت اجبار کننده دانسته است. دیوان کشور فرانسه هم با این راه‌حل موافق است.<sup>۱</sup>

دولت ایران در سال ۱۳۴۷ کنوانسیون بین‌المللی راجع به حقوق مدنی و سیاسی را امضا و در سال ۱۳۵۴ متن آن را به تصویب مجلس شورای ملی رسانده است. بنابراین بر اساس ماده ۲ کنوانسیون که دولت‌های عضو را ملزم به اتخاذ تدابیر قانونی و قضایی لازم برای تضمین و تأمین حقوق و آزادی‌های شناخته شده در متن کنوانسیون کرده، دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضا، ملتزم به مراعات مفاد کنوانسیون است و باید لوازم و اقتضانات آن را بی‌کم و کاست به موقع اجرا بگذارد. مراجع قضایی نیز به دستور ماده ۹ قانون مدنی که مفاد عهود و قراردادهای بین‌المللی را به شرط تصویب در مجلس قانونگذاری در حکم قوانین عادی به شمار آورده موظف به مراجعه به کنوانسیون و مراعات مقررات آن هستند.

مطلب قابل توجه آن است که مبانی محاکمه منصفانه و قواعد اجمالی آیین دادرسی عادلانه در امور کیفری در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح و مراعات آن از جمله حقوق اساسی ملت به شمار آمده که از آن جمله است حقوق موضوع اصول نوزدهم، بیستم، بیست و سوم تا بیست و هفتم و سی و دوم تا سی و نهم. این گونه الزامات بین‌المللی و داخلی نه تنها مغایرتی با مبانی شرعی ندارند، بلکه اجرای آن‌ها تأثیری آشکار در توسعه فراگیر و پایدار کشور به خصوص در ابعاد حقوقی و قضایی برجا خواهند گذاشت و کمک مؤثری به تحکیم مشروعیت نظام در سطح ملی و تقویت وجهه آن در سطح بین‌المللی محسوب خواهند شد. با وجود این گونه الزامات، نهادهای تقنینی و مراجع قضایی هیچ کدام در نقص و خلل‌های موجود معذور نیستند. هر نوع تخلف از اصول دادرسی منصفانه و معیارهای حقوق بشر در این زمینه، هم نقض اصول قانون اساسی به زیان شهروندان است و هم نادیده گرفتن تعهدات خارجی نظام.

۱. وژ. گانزوف و اندومرج، حمایت از حقوق بشر در حقوق اساسی، ترجمه نجاد علی‌الماسی، صص ۱۸-۱۱.



حاصل سخن این که اقتضای الزامات مورد بحث آن است که مجموعه قوانین و مقررات راجع به دادرسی کیفری باید با تکیه بر آنچه بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله تدابیر تأمین و تضمین حقوق متهمان و محکومان محسوب است تدوین شوند و مراجع قضایی به خصوص دیوان عالی کشور که عهده‌دار حسن اجرای قوانین و پاسدار اصول عدالت و نصفت است باید خواه از طریق تفسیرهای معقول و تأویل‌های منصفانه قوانین و خواه از راه نظارت و بازخواست متخلفان، جریان دادرسی کیفری را در مسیری منصفانه و بشردوستانه هدایت کنند. شگفتا که مأخذ و مقصد تمام تدابیری که در این مقاله مورد بحث واقع شد یعنی «کرامت انسانی»<sup>۱</sup> خود از بنیادی‌ترین مفاهیم و معیارهای شرایع آسمانی است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»<sup>۲</sup>.

## منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
۲. آشوری، محمد؛ اصل برائت و آثار آن در امور کیفری، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۹، سال ۱۳۷۲.
۳. ارفعی، عالیه و همکاران؛ حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، ج ۱، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
۴. بولک، برنار؛ کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۱، تهران، مجد، ۱۳۷۲.
۵. العوجی، مصطفی؛ حقوق الانسان فی الدعوی الجزائیة، بیروت، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۹.
۶. کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق، ج ۱۳، تهران، بهنشر، ۱۳۷۰.
۷. معتمد، علی محمد؛ حقوق جزای عمومی، تهران ۱۳۵۱.
۸. و.ز. گانزوف و اندرمرچ؛ حمایت از حقوق بشر در حقوق اساسی، ترجمه نجاد علی الماسی، تهران مؤسسه حقوق تطبیقی، بی تا.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

10. Amnesty International; *Documents Sent to Islamic Republic of Iran*, Published in 1987.

1. Human dignity

۲. اسراء / ۷۰.

11. Felix Ermacora, Manfred Nowak, Hans Trotter; *International Human Rights*, Vienna, 1993.  
Jack Dannelly; *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Ithaca N.Y. University Press, 1989.
12. Paul Sieghart; *the International Law of Human Rights*. London, clarendon press, 1983.
13. Marvin Zalman, Larry Siegel; *Criminal Procedure, Constitution and Society*, New York West Wads Worth Company, 1997.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی